



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



16 جون 2026

داکتر سید عبدالله کاظم

## آیا جنگ امریکا و اسرائیل با ایران با امضای رسمی توافق واقعاً پایان خواهد یافت؟

این سؤالیست که ذهن بسا از سیاسیون و تحلیلگران را به خود جلب کرده و هریک نظریات متفاوت در زمینه ابراز میدارند که بیشتر جواب این سؤال را بسته به چگونگی نقش بعدی اسرائیل در این راستا میدانند. به هر حال در آستانه امضای توافقنامه بین ایران و امریکا گفته که میشود بین نمایندگان دو دولت بروز جمعه (19 جون 2026) در کشور سوئیس رسماً امضاء خواهد شد، جرمی بوئن (آمر بین المللی بی بی سی در بیروت) همین چند ساعت قبل (مورخ 16 جون) مقاله تحت عنوان "توافق با ایران به جنگ ترامپ پایان داد؛ جنگی که محدودیت قدرت امریکا را نشان داد" به نشر سپرده و در آغاز به این نکته مهم اشاره کرده است: «این جنگ بدترین اشتباه دونالد ترامپ، رئیس جمهور امریکا، دستکم تا اینجا در سیاست خارجی بوده است». او طی این مقاله به بررسی نکات مهم دیگر نیز پرداخته که هریک بیانگر بسا حقایقی در ارتباط با جنگ صدروزه امریکا و اسرائیل با ایران میباشد. به دلیل اهمیت موضوع خواستم این مقاله مهم را عیناً از ویبسایت فارسی/دری بی بی سی اقتباس و تقدیم علاقمندان نمایم. این شما و این متن مقاله:

### جرمی بوئن: توافق با ایران به جنگ ترامپ پایان داد؛ جنگی که محدودیت قدرت امریکا را نشان داد

حملات غافلگیرانه امریکا و اسرائیل رهبر ایران را کشت، اما باعث فروپاشی حکومت نشد

نویسنده: جرمی بوئن (سردبیر بین المللی بی بی سی در بیروت)

مورخ ۲۶ خرداد/جوزا ۱۴۰۵ - ۱۶ جون ۲۰۲۶

«این جنگ بدترین اشتباه دونالد ترامپ، رئیس جمهور امریکا، دستکم تا اینجا در سیاست خارجی بوده است. این جنگ بازدارندگی امریکا در برابر دشمنانش را دشوارتر می کند. این جنگ به اتحاد امریکا با حکومت های عربی تولیدکننده نفت در خلیج فارس آسیب زده است. کشورهایی که مدل اقتصادی شان بر پایه ثبات در میان آشوب خاورمیانه بنا شده و ترمیم این آسیب سال ها زمان خواهد برد.»

مقام های این کشورها در محافل خصوصی از هم اکنون درباره متنوع کردن اتحادهای خود و ضرورت یافتن راه هایی برای همزیستی با ایران صحبت می کنند. چین نیز با دقت نظاره گر بوده است که امریکا چگونه ذخایر تسلیحاتی خود که جایگزینی آن دشوار است را مصرف کرد و با محدودیت های قدرتش روبه رو شد. این توافق، اگر در آخرین لحظات با مانعی مواجه نشود، به جنگی پایان می دهد که بر پایه برداشت نادرست امریکا و اسرائیل از قدرت دشمنانشان در ایران شکل گرفته بود. این امر موجب آسودگی خاطر عظیمی برای همه کسانی خواهد شد که زندگی شان بر اثر این جنگ زیر و رو شده است. از جمله غیرنظامیانی که در خط مقدم قرار داشتند.

دونالد ترامپ می گوید این توافق تنگه هرمز را دوباره باز می کند و فشار را از اقتصاد جهانی و زندگی واقعی صدها میلیون انسان تحت فشار در سراسر جهان برمی دارد.

هزاران نفر در خاورمیانه کشته شده اند. خانه ها و کسب و کارها ویران شده اند. تاثیر این جنگ بر تولید کودهای شیمیایی که به محموله های عبوری از تنگه وابسته بودند، می تواند موجب گرسنگی مردم در کشورهای فقیر در اواخر سال شود و کشورهای آفریقای جنوب صحرا بیش از همه در معرض خطر هستند.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

این توافق یک معاهده صلح نیست. متن کامل آن که مذاکره‌کنندگان گفته‌اند شامل ۱۴ بند در دو صفحه است، هنوز منتشر نشده است. اما افزون بر بازگشایی تنگه، این یادداشت تفاهم آتش‌بس را تمدید می‌کند و محاصره بنادر ایران توسط نیروی دریایی آمریکا را پایان می‌دهد.

این توافق دشوارترین مسائل را به مذاکرات آینده موکول می‌کند. این دستور کار شامل آینده برنامه هسته‌ای ایران و میزان کاهش تحریم‌هایی خواهد بود که در برابر امتیازهای ایران ارائه می‌شود. سرانجام خط‌پایانی بر جنگی کشیده شده است که آمریکا و اسرائیل در ۲۸ فوریه آغاز کردند. اکنون زمان را به ۲۷ فوریه بازگردانید. زمانی که نیروهای آمریکایی و اسرائیلی در حال آماده شدن برای حمله بودند، هواپیماهای خود را مسلح می‌کردند، به خدمه توضیح می‌دادند و اهداف موشک‌های خود را برنامه‌ریزی می‌کردند.

در ژنو، ایران و آمریکا درگیر مذاکراتی بودند که به جهان گفته شده بود برای مهار برنامه هسته‌ای ایران ضروری است. منابع متعددی به من و دیگران گفته‌اند که مذاکره‌کنندگان ایرانی باور داشتند در یک روند جدی قرار دارند و علاوه بر خواسته‌های خود، امتیازهایی نیز روی میز گذاشته بودند.

در ورودی خلیج فارس، تنگه هرمز باز بود و امکان عبور حدود ۲۰ درصد از نیاز جهان به نفت و گاز طبیعی را فراهم می‌کرد. همچنین محصولات جانبی صنعت پتروشیمی که به اجزای حیاتی در زندگی مدرن تبدیل شده‌اند، از جمله کودهای کشاورزی و نیمه‌رساناها.

این یادداشت تفاهم راه را برای از سرگیری مذاکرات هسته‌ای و عبور کشتی‌ها از تنگه باز می‌کند. این دقیقاً همان وضعیتی است که ۲۴ ساعت پیش از آغاز جنگ آمریکا و اسرائیل وجود داشت. در نخستین حمله از مجموعه حملات غافلگیرانه و ویرانگر، اسرائیل آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر ایران، و نزدیک‌ترین مشاوران او را کشت.

تقریباً هم‌زمان، تحقیقات متعدد نشان داده‌اند که یک حمله آمریکایی مدرسه‌ای را در میناب در جنوب ایران با خاک یکسان کرد. بیش از ۱۵۰ غیرنظامی کشته شدند، از جمله دست‌کم ۱۲۰ دانش‌آموز که بیشتر آنان دختران زیر ۱۲ سال بودند.

دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، هر دو با پیام‌های ویدیویی آغاز جنگی را اعلام کردند که تصور می‌کردند کوتاه، سریع و پیروزمندانه خواهد بود. این یک اشتباه محاسباتی حیرت‌آور بود.

سخنرانی‌های آنان سقوط حکومت در تهران را پیش‌بینی می‌کرد. اما در عوض، بقای حکومت موجب تقویت آن شد. بدترین کابوس حکومت ایران تلاش تمام‌عیار آمریکا و اسرائیل برای تغییر حکومت بود. این اتفاق رخ داد و شکست خورد.

چهره‌های سرسختی که در تهران زنده ماندند، جسورتر از پیش ظاهر شدند.

علی خامنه‌ای و مشاورانش به سرعت جایگزین شدند. پسرش مجتبی به عنوان رهبر و نسل جوان‌تری از فرماندهان که عمدتاً از رهبران ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بودند، قدرت را در دست گرفتند. آنان به همان اندازه نسل پیشین ایدئولوژیک هستند، اما کمتر محتاط هستند و آماده‌اند در آنچه به‌درستی آن را نبردی برای بقای نظام جمهوری اسلامی در ایران می‌دانستند، ریسک‌های بیشتری بپذیرند.

آنها راهبردی از پیش طراحی‌شده برای بستن تنگه هرمز و حمله به همسایگان عرب ایران، نیروها و پایگاه‌های آمریکایی و همچنین خود اسرائیل را تا نهایت توان اجرا کردند. لفاظی‌های جنگ‌طلبانه پیت هگست، وزیر دفاع آمریکا، که مدعی شده بود قدرت آمریکا نیروهای مسلح ایران را فلج کرده است، اغراق‌آمیز و نادرست از آب درآمد.

اسرائیل شریک کامل آمریکا در این جنگ بود. اما از مذاکرات مربوط به یادداشت تفاهم کنار گذاشته شد و اکنون با ناامیدی به این توافق نگاه می‌کند.

بنیامین نتانیاهو در ۲۸ فوریه گفته بود که تمام عمر سیاسی خود در انتظار فرصتی برای نابودی جمهوری اسلامی بوده است. حکومتی که آن را خطرناک‌ترین دشمن اسرائیل می‌داند. اکنون او از سوی رقبای سیاسی خود به دلیل به خطر انداختن امنیت اسرائیل مورد حمله قرار گرفته است.

نتانیاهو تا زمان انتخابات سراسری که به‌سرعت نزدیک می‌شود و باید پیش از پایان اکتبر برگزار شود، با پیامدها و تبعات این وضعیت دست‌وپنجه نرم خواهد کرد.

یکی از موانع احتمالی، اصرار اعلام‌شده اسرائیل بر ادامه اشغال بخش گسترده‌ای از جنوب لبنان است. منطقه‌ای که غیرنظامیان از آن اخراج شده‌اند و هزاران ساختمان در آن ویران شده است. وزیر دفاع اسرائیل گفت که این کشور اشغال اراضی در لبنان، سوریه و غزه را «برای مدت نامحدود» ادامه خواهد داد.

بنیامین نتانیاهو تحت فشار تندروهای کابینه و مخالفان سیاسی خود قرار دارد تا اقدامات تهاجمی بیشتری در لبنان انجام دهد. برخی خواستار الحاق جنوب لبنان هستند. او باید بسنجد که آیا می‌تواند با نادیده گرفتن دونالد ترامپ، که در مجموعه‌ای از مصاحبه‌ها در آمریکا نارضایتی خود از آقای نتانیاهو را ابراز کرده است، خطر وارد کردن آسیب بیشتر به اتحاد اسرائیل و آمریکا را بپذیرد یا نه.

حمله هوایی اسرائیل به حومه جنوبی بیروت در روز یکشنبه تلاشی آشکار برای برهم زدن مذاکرات در لحظه‌ای حساس بود. اما به نظر می‌رسد به جای آن، روند مذاکرات را تسریع کرده باشد. زیرا زمان برای گفت‌وگو در حال پایان یافتن بود.

اکنون فرصتی برای توقفی کوتاه و نفس تازه کردن وجود دارد. هنوز بسیار زود است که نتیجه بگیریم این یادداشت تفاهم می‌تواند به توافقی بزرگ میان آمریکا و ایران تبدیل شود. توافقی از این دست می‌تواند خاورمیانه را دگرگون کند.

اما ایدئولوژی و نبود کامل اعتماد، آن را به رویایی دور دست تبدیل کرده است. این ماجرا برای همه طرف‌های درگیر تجربه‌ای تلخ بوده است. مردم ایران که دونالد ترامپ در ۲۸ فوریه به آنان چشم‌اندازی از آزادی وعده داده بود، همچنان تحت حاکمیت حکومتی بی‌رحم زندگی می‌کنند که در ژانویه هزاران نفر از شهروندان خود را به دلیل اعتراض در خیابان‌ها کشت.

آمریکا همچنان از قدرت عظیم اقتصادی و نظامی برخوردار است. اما تصمیم شتابزده دونالد ترامپ برای ورود به جنگ با ایران اکنون بیش از پیش شبیه اقدام یک ابرقدرتی به نظر می‌رسد که برای حفظ سلطه خود در جهانی در حال تغییر، با دشواری روبه‌رو است. «(پایان مقاله جرمی بوئن)

آرشیف: مطالب دیگر محترم داکتر سید عبدالله کاظم